

تئیز امرتیلیع د ملا  
خصوصی با درگاه اداره اش

مکاتب هون اضاء  
د عواین پر فسیمه

در پست رک بند زدن دینه

قیمت اسکن

بازار

بازار

# جشنواره

۵۳۳۰

جای دار ره کسما  
میر خانیں کمال

ملک افغانستان مکاتب  
با درگاه اسکن دینه

جشن

هر چهارمین طیعه هفته

تئیزه هفت شاهی

این روز نامه فقط علما هم با جقوو ایرانیان و نور افغان های اسلامیان است

## - موقع گذشت -

جای ایران توسعیافت - اتحاد مدد و مسد - بازار  
تخت دود و غر و ایج مدد کرد - داشتاران به دوست  
و مکانی همچو خوب داشت طهران بسط کردید -  
ماشکر کوک سرگرم بازی طهران - دل شمن با (انگلیس)  
ازین شغونیات کوکانه استفاده هایی نزد کرد  
ماشکر مکفر غرض مید دیم دشتمام ملک فهمه - ترازی هر آن دست  
و کلات دیگر بجانب همچو کرپاپ میکردیم اما او دل  
خود قاد قاد مخدیده زیرا اظفرا یافته بود - آری اد بمال  
و آزادی طلبی خود رسانیده بود

دو فوف جدیت و سرفت غل - پنجه سرپاپی هرف دکاره  
وق اعاده قناعت کردیم - متعالات آشین و ششم  
ر بخواهی نمودیم - بالوایع دار نیکل ای شد پهلوخان  
صفت جراید را مطرز و بخود اختصاص دادیم - فریاد نی  
و طن پرستانه ز دیم - آما فخط برای عوام فسر پی  
زیرا آنها بجان احسانات دروغ بوده - و آنها هملا  
بی فسر و غی!

کم نتوای شفعت لر گز زن و سرنا لاد محکم بنویل

آذی موقع گذشت - وقت تلف خد - روزهای  
گران بیایی استفاده در نیوجو قفت - داشت دوست  
تاق - جنگ خانگی مالت متقدن - ببرت برق  
دیفسه زایل داینک آخرين فایق آنرا امرا فیلم  
دویال قبل - ده موقعی که اید ادا قیا نوس ای اید  
کوچکترین شاعر امیدی بڑی آنرا ایران دید نمیشه  
بگد فده دست غمی در تعقیب درهم شکستن اساس حجر  
و بید دا پیله طوری کسیه - ادفات پر ففت  
استفاده را برای اپیش اور د - ما هم فیلم راین  
موقع بودیم - بهم از خلد و مصول این وقت لا آرزو  
میکردیم - اتفاقاً این آرزو دهنم با جابت رسیده  
آزادی بمالهای سفید ده فضای ایران طرک که  
اما بشما ثابت کرد که با بد کار کرد - آما ده عوض ما چکریدم  
نیشانه هرف دیم - بلکه تا آن موقع که داریه نعاق  
حمد و بود نیام دموکرات شکل و خنکل نه انص  
خصوصی ابی عرض عمل در آورده در نیوجو نعاق در اس

خویش را افلا هر ساخت - دسته مشد قحط یک تغزیه  
کردانی بسیار صادره ایست - خورا درست ماء  
مارلینگ آن بساط را مسلسلی از لیره ای چکلیس خریداری  
د خاتمه آنرا بوسیله یکن مکتوب اعلان کرد  
ازین شاه کار غریب هم موفق شدند که میزان پنجه از  
د دراست در ارات عقل و کنایت مارا معلوم کنمند  
آری مقصود من بود که ما فقط حرف زدیم

اری مخصوص دین بود که مانع طرف نداشتم  
اگر علاج و چاره هم نداشتم و پس از کسر دیم عمل ننمودی  
در این صورت وقت گذشت بواقع تلف شد - خود را  
ما دستهای بی لیاقت خود را سیر قید و رقیقت دانمی  
انگلیس کردیم - زیرا اگرچه روشنایی مارا توانند از  
بخار خود گذاشتند - لکن در اثر آن به غفلت مسامو  
کاری قوشون انگلیس جایی آنسوارا گرفته و سطام آنها  
اینک تجدید میکند - در حالتی که ماسه و سطله فی حصی  
بی سمتی قدرت و حرثت دم زدن نداریم - آنقدر  
فقطها منحصرا به امشغوا - برآ و قات گذشته

خوانی میکنیم! این است که یک چیز نمی تواند قابل حیات نباشد  
یک قدر که قادر شد سیاسی شد طبیعتاً از زندگانی  
خواهد بود! این اتفاق گوییم خواست دار  
گردد زیرا آنکه در تحت ظلم و تحری و افع شد  
با نهایت خواری ترک قیمتی نیست نه زده و نه  
ابدی سوی خواهیم یافت وابد احتمال کار آیینکسر  
نمایم. مکرر میمین خط و همین جا سه فاصله -  
آشناز بسیار - ملاج سهیم فرا و این است  
هل کو! همه لفظیم از مردم نشانه کار مایه ام  
ایران اشظام داخلی ایران

لذن - انحرافات عوام غریب باشکد را بر سر از نگ  
در پارک خوارت طهران معا عبد پوچ و بی مفسر نهادند  
مور انگلستان یعنی صندوق فیض آواره از اداره اقتصادی  
و مدن فردوس شفیری به اعمال ماموقی شدند آنوقت  
برگزنشط طلاقت کردند کنی ها با نهایت تحمل و خون سردی  
بر خود مهواره داشتند سر جاده جان گذاشتند یا یک  
فلک لاقیدی بگیرند - و در آن بان اینستندند اینمود  
این میان تشكیلات میں جنوب - گراند - صفت  
سدهن خلسان - و با لاخسره نا طهران توسعه  
پافت - قشوں انگلیس در همه نقاط ایران را زیر شدند  
قوه انتگری و پژاید - اولیا ای امور مراعوب شدند  
لکن از های سیح حس و حرکتی ظاهر نشد زیرا اینها  
جزء مسائل عادی در روز مردم شده بودند با  
آن باز انگلیس بینقداد که عاندوختی به استکبری  
شاہزاده سلیمان میزرا نامندۀ طهران دلیدر  
ایرانیان مباردت کرده و موقی شدند آنوقت  
کاره تخلیه بزرگ شد! خونها کیفیت نادر و دقیق  
خیک و فشرد و بخوش آمد - خلبانی ملت حاسه های  
لعلی نزد مردم جراحت بالحق شدند خود با این غایب  
و مظالم هترافی کردند - با لاخسره مصباشی شدند -  
بعد از آنها غفران برای اینها شفعت نسبت مظالم انگلیس  
فیک دادند - آنها فیک شرم آور فیک خجل خیز  
آری خیلی شرم آور - زیرا قبل از وقوع این  
فیک بقدری از اطراف آن پیش منته  
که حقی ای دور دست طهران گوشش بزیگری کرد  
دفعه عویی دخود را برای فاع بطور مستعجل خواهی کرد  
بودند با - آنها حقی که منیک به اعتماد خود را اینست

فپرازین بوده مر بوط باشه بوده است!

مجب ترازین شایعه مسله الکما، داشت بدوله و ععاد  
دولتی ای دیگر بکمال و مفعومی که نیسله دارد این هم  
حداً کند بی بوده و بعاته خاطر ثان منما کم ففت  
اخداد اسلام فقط با فکر ایرانی برای قویت ایران بکل  
شد و هر کس اندک آنکه کند صحت و بسته است آزا  
از عملیات درک خواهد بود.

- بیت اخداد اسلام -

بیت اخداد اسلام آئه مقصود همان آن  
- سوال و جواب آراء حجیه -

- پایکاری و ملپوامات -

رس - چه میکونید؟ - چه میخواهند؟ - تشکیل شان برای  
بیت؟ - حق - ابتدا برای خفظ گیلان و فتحه دزد  
ایران از تعدادیات و نجاذبات و بنا کری و چادل  
قون ترازی تشکیل شد از ذر استقلال و تابوت برای  
را میخواهند از آزادی - حربت - عذت - بیت  
و میزنه رس - آیا با پول کی داره میشود؟ - پول  
آلان، غلامی، بیکلس، روشن، غیره، هرج - خیر  
بیت صده و دقی از آزادی خواهان گیلان با سرایه  
که مزروع شد و گزون از گزینه فتوت آزاد خواهان  
با آناتی اداره میشود با همایی نیوم طبقات گیلانی  
از طلا، اسلام - رها - کسبه - تجار - غذا - کالا  
از نجاذبات رژیم سابق روسر جلوگیری کرد و به استخال  
و شکنند و میثاقی ناشریع غلبه ساده  
ضایع ده بعل مزور و قائم فتنه؛ اینکه برای اشغال کرد و ن  
از زل و رشت و نوابع آن بتوسط آرائمه ذمیه طرح  
و زی مسد و بخششی کرد و با بجهه با اقدامات نهاد

تعین سیاست خارجی ایران - بکل مجاپ و غیر مقدور است  
باید علی مدائی ملت - ای اخراج سیاسی - ای طبقات  
علماء - اهتراف - عامی - رنجبر مکلف - ای جوان خواهان  
استقلال ایران - ای غاصر شرقی پرست - ای طعن  
خواهان بی پید نهاده همچوں فد کاران خجل هی شده  
بیش ازین گرد هرف گز دید زیادتر شجاعت جهاد  
غیرت - همت بمحج دید علی باشید - عل لارم ا  
د فدا کاری ایا -

### - مکتب شایعات گرگز -

بغزار اعلامی که از جمع مکاتب و مدد از مرکز اسناد  
شد و احتمال قوی میدیم که نظریه عدای نسبت بهیت  
اخداد اسلام باشد و در میان جامع طبقه امن شرط  
طلی داده ذکر مایه ای مدن بطریان دایم.  
اگرچه اشخاص صاحب ہوش طهوان که روپرسته شد  
اما از زردوی نظریه دقت کرده اند بخوبی نیزه اند  
که بیت اخداد اسلام فقط یک دیده باشی از مرکزیان  
بوده و کابی حکومتی و دفترا بپاره اقدامات  
آنهم اداده که مجلس نمایندگان بسیاره  
قصد سویی مذکونه داشته اند داشت جان چهارم  
بله از این قصد خوبی نسبت نمود ولی برای سیم خشی  
از این ساده ذکر کار این نکته را لازم میدانیم که  
مشت آمدن با بطریان بگلی فی اصل است. و اگر  
این شدیده را از زردوی داره بودند؟ و از زیستی لایا  
ویل چیزی نمایند ذکر کنند که این رویه برای نفع عمیقا  
از ای ای بدعفت بوده آنهم چنانکه به داشته اند  
با این نظر و معتبرت حکومت گرگزی بجل آمده و اگر

برای فت ایران  
ارانز قفاراز نیخوا  
و شانیا بوص داد  
از طرف قزوین  
داده و در قفاراز  
بر سه انصاف  
عودت ارمنیا ز  
و استقلال ایران  
خراب کن را دید  
حتی و نی تعصی  
با دری ایرانیا  
را تدیس و همراه  
و برای منفعت  
محکم است که ابد  
نشده و نخواهد شد  
اداره کرده اند که  
د طوری هر دم گیلا  
آنها را مشاهده و  
جانا ما خواهد بود  
ایران شده مذول خ  
چنین موافق خطرناکی  
را و از طرف یکدیگر  
استقلال خواه ایر  
و جلوگیری از تجاو  
دل و زجاجات فرو  
و غیره برای خطا ن  
یک متقدرات زیادی

ثانياً انکه غیر از حفظ استقلال و تماقیت ایران و نظر  
اقدامات قلت و دولت و صادرت با آنها بسیج  
مقصد مخالفتی مدارند چون اختلافات پس از ازاب  
فوق العاده با اساس ملت و دولت ایران صدر فاراد  
آورده و بعضی بیان نموده اسلام که فصله خور و مخدوم جلب  
همه بین متواند اخل در ازاب شده این است  
که قلت اتحاد اسلام اختمار نصر چنین نعمت که آنها که  
کسی نیوان خرب و دسته بخواهد با اشان اخل همه  
شود و ایشان را بار قی و بعد سنه خود شناک نمی پذیرد  
و نظر با اینکه هر اشان حفظ استقلال ملک و قیاشان  
برای قطع دست اجانت باک کردن نگذشیر خوشید  
است میگویند سر برای فی که ساقعه نگین مذاشته داد  
طلب خدمت بلکتر ویست با اشان بوده از و پذیری  
میگذند در مقام نجات خان از دست برداشدا صفات  
آن از تعذیبات و شناسنامه از ازاب و فرق ایران  
دست متفق و همراه نهادنام ایرانیت و هدایت  
اشنمایی با غرائی شخصی با از دم اطلع تعصی نزد  
بر قدمین میت تقدیس نیاشد مخاطب ساخته بیکوئیم  
بدینه و آگاه باشیدین هر اغایی که بد دیگی ویست  
اجرا گردانی و شن شده است آغرين و سیدی خات  
ایران است بعیی مروره افت و دولت ایران شایست  
ایمده واری از اقدامات رفتار آنها باید داشته باشد  
و بزودی چنین درک نموده اگر این پیاره روزن نبیند  
بدون شبیهه ما یکی مظلالم و تعذیبات ها که خبر برده  
میشند بهتر از جنوب جلو گردند فاتح شمال  
هم خواهد شده بود اگر از تاکه ریت و قسر را در  
کامیان نوبل در قفاراز بطلع بشوید و یقینید بروزی

خود یک فست بزرگ بر از دست برده بسیات  
مظلوم کش نگلیم : دا آسوده ساخته است  
با این حال پس خلی می نا موسی و پژوهی است اگر کسی  
نیست با آن انتشارات نزدیک داده و حسره های  
نامناسب ده و آنها را بر عده دولت و نفت صرفی  
نمایند ! و آنها ماری از هر آلبیش با اشناهات  
بی اصل توت کرده است در این مکان همکن بکه بطور ای  
فروده :

ایرانیان حساس او لامنید و آگاه باشید این  
بیت غیر مکر را یک طبقه باک و نیشی مصادفانه یک  
چنین قیام با شرفانه را و جمهود خود قسر از داده بیز  
هی خود را برای همگویی تیرهای غاییین آمده نموده  
اند چون مقصده پر مقدس و بیارهایی دارند آنها  
اگاه ذیب و محولات را بقدر ارزی و قیم خذارند از  
شسته ای و در این حقیقت مخفیان سمجھی ژل زل برگان  
خود را نماده بلکه با غرمی نابت از آنها بر مرارت  
جهدت تعذیت خود می فشرند این اسابت  
مندم نشدنی خراب نگردانی جسرا فی که خدا نویش  
بنیشه بیف مفسدین خاکویش نخواهد نموده مشرف  
مخاصله فراد و نیان نان کا الجبل لا محترم که  
العواصف جون جمال غلیم سر پا اسیدا بیادی  
خلاف نیزه زداین مطلب بخوبی معلوم شده و گذشت  
درک نموده اند که میت اتحاد اسلام در ایران از  
قطعه ظن شخصی جزئی ولا جئی یا لئی با احمدی عدوت  
نموده اند از این خود نمودن قوایی ولئی بر خود لازم  
دانسته که بر فینی باشد اسلامه نیته نموده و برای  
خند و ایسوس خیمه و آهاده نمودند :

وَظِلَّاتِ مُظْلَّوْمٍ شَرِّنَكَلِيسْ؛ جَلْوَكَيرَى كَرْدَادَهْ بِعَلَادْ  
انَّكَشَّةَ وَنَا شَاجِي شَدَادِيمْ شَنَكَلِيفْ وَجَدَفِي خَرْ دِيعَنِي  
هَرَا هَى وَكَلْبَ باخِالَاتْ وَأَقْدَمَاتْ آنَانِي كَنِيمْ وَا  
أَسْغَاهْ دَا أَسْغَاهْ دَرْ عَوْضَ تَهْتَ سَيْزِنِيمْ دَمَحَرَمَشْ سَلَوْشِيمْ  
آنَشْ اَخْلَافْ اَدَامِنْ سَيْزِنِيمْ خَواهْ خَواهْ دَنَشَّهْ بَاهَهْ بَاهَهْ  
خَنَدَكَلَارْ بَلَيْكَتْ اَجَابَ شَدَادِيمْ اَفْ بَرَائِنْ مَلَيْتْ  
وَقَوْيَتْ خَوْدَخَواهْ هَى خَوْدَپَسَندِيْ پَسْخَهْ نَارِخَهْ فَشَانْ  
مَنَدْ هَدَيْكَهْ جَنِينْ سَسَتْ عَضَرِيْ دَبِيْتَهْ دَغَلَتْ رَأ  
مَغَدَلَكَتْ اَيَرَافِيْ حَسَارِسْ سَغَبْرَفْ جَبَرِمْ دَلَشْ دَشَنْ آ  
كَفَحَالَغِينْ دَمَحَانِدِينْ سَهَوْدَهْ سَلَوْشَنْهْ بَهَرَدَهْ دَرَوْ بَامْ مَيَافَهْ  
وَهَرَفْ دَقَهْ دَقَهْ بَانْ سَكَنْهْ دَيْقَنْ دَانَهْ دَزَهْ  
تَيْجَهْ خَواهْ دَادْ دَهْ شَانْ سَلَلَوْمَ فَرِبْ اَيَرَانْ هَانَهْ كَهْجَهْ  
هَلَارْ قَوْنْ جَسَتْرَهْ خَوْدَسَرَهْ دَسْرَهْ بَاهَنَهْ قَوْيَهْ مَهَاتْ  
وَسَادَهْ دَهْ دَسَاسِيْ دَاخِلِيْ دَمَحَدَهْ دَرَاتْ دَمَلَكَاتْ  
مَتَعَدَهْ دَهْ بَرَاهِيْ آنْ دَسَهْ اَهَزَرْ قَلِيلْ خَلَافْ بَهْ نَهْ دَهْ  
اَغَراهْ دَرْ غَيَارْ خَارَتْ نَهَدَهْ تَيْجَهْ كَرْفَتْهْ دَهْ  
جَانِيكَشْتَهْ دَيْكَتْ فَازَهْ رَفِيقَتْ دَاقَعِيْهْ دَهَارَهْ دَهْ بَهْ طَهْ  
پَسْخَهْ شَهْهَرَهْ بَهَنَدِيْهْ اَيَنِيسْ دَبِيْتْهْ دَهْ شَهْهَلْ دَهْ اَيَنِيْ  
پَسْخِيْهْ اَقَدَمَاتْ آرَزَهْ دَهْ كَهْ تَجَانَهْ جَمِيْيَهْ اَزْ جَانَهْ دَهْ شَهْهَهْ  
رَاهَلَكَلِيْهْ مُونَاهِنَدْ دَاهِنْ هَسَمْ پَرْ وَافَعْ اَسَتْ اَرَدَهْ دَاهِنْ  
مَحَطَا كَبَغَتْ جَمِيْيَهْ دَهْ بَصَتْهْ فَيَهْ سَهَسْ دَهْ بَخَتْهْ كَهْ صَدَهْ دَهْ  
بَزَارِهِسْ بَهْ شَاهَا دَخِلَالَاتْ شَاهَا سَهَادَهْ دَهْ بَهْ بَهْ طَهْ  
وَهَهَا اَسَارَهْ حَمَالَهْ خَرْ بَارَشْ خَوْ دَقَرَارَ دَادَهْ يَهْ  
وَلَصَوْرِهِكَسَنْيَهْ كَهْ اَيَرَانْ دَهْ بَهْ بَهْ طَهْ اَسَهَا بَعَيَالَهْ خَوْ دَهْ جَهَدْ  
دَهْ آورَدْ (آرَزَهْ دَهْ) مَجَازَاتْ دَهَنَدْ جَهَقَهْ دَهْ حَاكِمْ  
طَبَيِعَتْ حَكْمَهْ بَهْ دَهْ شَهَارَا اَهَلَامَهْ نَهَودْ دَهْ عَاهِيْهْ سَلَلَوْمِينْ  
سَهَنَدَهْ دَهْ كَاهْ بَهْنَيْهْ مَلَلْ ضَعِيفَهْ كَهْ مَثَلْ دَاهْ دَهْ بَهْ تَرَازَهْ دَهْ فَرَارْ

برای ملت ایران نهیه و خاک فلک است. بخوبی از بدست  
ارامنه قطعاً نیخواست اول سر برآوری نیست مازده  
و نایاب بصل دادن قوای اشرا را را نهاده و دوی نگفته  
از طرف قزوین چهارمین بدر میکسر که را ایران را خانه  
داده و در قطعاً زیست ایران بمعا صد ایران نهاده کن خود  
بر سر انصاف نیخوا هم آیا در بزم زدن نقشه این شخص و  
عودت ارامنه از از نزدی خدمت بزرگ نبود سیاست  
و مستقل ایران شده و جنگلریات و اقدامات اسلامی  
خراب کن را دیده شکست خوش نمود و ایجاد از فی  
حتی و بی تعصی بعضی دم غرض د از جهات خوش  
با دری ایران نیارن عوض آنکه چنین اقدامات با شرفا نه  
را تقدیس و همراه آن گشتم بخدمت آنان کو شده  
و بایی منفعت دشمن ایران اگرچه اسلام اسلامی  
محکم است که ابدآ باین مردمانی مخالف و از تکمیل امر را  
نشد و نخواهد شد و با بودن هیجان طوری خوش از ازا  
اداره کرد اند که هیجان بجهت دست و دشمن است  
و طوری هم دم کیلان و هژارف و فارصاد قاتل پیغمبرانه  
آنها را مشارکه نمایند که اکثر آنها ای آن سامان  
جانا ما خاضرو آزاده خدمت برای سعادت و مستقل  
ایران شده اند ولی خیلی خوب و مشارک است که یک  
چنین موقع خطر نمایی تا می نمیده و یم خیاه است دشمن ایران  
را و از طرف یکی شئه از ای طلب شرف پرست  
و مستقل خواه ایرانی نژاد برای اسلام ایران  
و جلوگیری از تجاوزات خود شکنای دشمن با یکدیگر ناخون  
دل و زحات قوی العاده یک قوای مرکب از نظامی  
و غیره برای خط ناموس وطن خود دسته نموده اند که نا  
یک متعدد رز بادی هم از تقدیمات در می سابق و می

پدن سبعاع مر  
این دسته جات بع  
اگر اعدال نهادی هر  
ادمکرات نهادی فی  
عن الدوّله (اعتدال)  
دیگر اسات نهادی فی  
سعد و دمی آرامیده  
مؤمن الملک (ادمک)  
طر فدران مصباح  
یافت میشود و دیگر  
شاعر اسلامیه (ام)  
سلطنت امیر  
سالمت و محافظه  
گیلانی (ادمیت از از  
لغزه الدوّله (ادمک)  
جنوب و بغاره  
انجام فرق الدذکر به  
از روی گلگوه فقط مح  
سر استفسر فی کرد  
پیاز بین فقط نظر ما آ  
قشیر داده چنانچه  
دم تهدیت نهادند فقط  
در مند وزارت زیر  
اشخاص میکه اسنار  
خربي بنام هفت هفته  
خربي بنام نادر - خ  
اسه بردار میشود که

سعد و دمی از کو تا هفده روز همان جزب را در  
سایه نویید و اطمینان می خود پروردگار نماید.  
موقع نهم مملکت و خیال شکل و اجتماع خرب را  
قوت دغیلت داد  
این خرب هنور عصر من و جو ذکر داده بود که منو باش  
اشتخار گشت و طرف حسد اکثر افراد خود شد  
و بهین جهت اقدار است لازمه که بنوازند مطلع احیات  
سو، اطلاع را ب موقع اجراء گذارد کسب نمود و  
اختلافات مدد آن حزب و زبر فرز قوت گرفته  
و با نتیجه شست انکار تولید شد.  
انکلیپسها در این وقت پم آن داشتند که افکار  
صالح بر افکار خاسه اند، اعنی آن خرب اکر  
 غالب آید نخواهد شد تو ایست بوقت سد - لذا باز  
ای فاسد تری سازش کرده و خوبی با هم  
بسیار دیگار آدردند - چون این خرب  
از پنج شصت نفر متوات است تجاوز زکنده بگذر از فاسد  
ترین اشخاص نه خود را بدروغ دموده است می ناید  
اما مورث شکل خوبی با هم کار گران که این ایام  
یک موسيای بسته تا آن لقب داده اند نمودند  
نمی نباشد که چون مذکوره انتخابات مجلس در میان  
بود سه نه خرب بطعم اشغال کری نایندگی غمیش  
ده آمدند در خانه در دوازده نفر نایندۀ طهران  
اکثریت را دموده کرای صالح و معارض باشکنند  
سابق الذکر را بدمد - در این وقت چون همیا همی  
انتخابات از میان رفت و مکه خورده گی برا می  
منظراً حاصل شد.  
دسته جات دیگری دیگار آوردن که همه

پشکر نیش برده از سنجاب شد. دانوش هم بودند  
بس است ظلم و پیغامی قدری بخود آمد چه بخواهید  
ازین نفر فلک نموده بعلم بدجفت که همه بدجتنی آنها  
از مداخلات نهاد است چقدر رخت است قلب کثیف  
ستگار شما ساکن حسنه برده بینایی خود را باحال  
جنون آنده خسته فشار توپهای سنگین آواران که از شیخ  
آن ما سکه خیانت کارانه خود را آدم کنار گذازد و داد  
آذان خفیه نمی‌باشد

موشی از طهره زن منویه

### او فساع مرکز - یا محیط اتریک

### - وفاد -

خوب گز سنگی همی فخر و نگه داشتند در نیشت  
د پریتی انکار رجاعت در مرکز دست بست بهم  
دارده و فسر فرد سکان قصور عالیه طهره زان را بطبع  
زماداری بخیش در آورده داین بالنویا از آمان تجاه  
خود را از پسردر رانی اخراج بکرد که هشته ده دماغ  
پادده د و نگر دان سیاسی مرکز پیدا کرد و این  
چون اسمی از پسرد رانی حسن زب برده شد لازم بود  
سویت اخراج برای پسر خرفی کنم ۱.

قریباً از چهارده ماه قبل که طهره زان بیانی وجود  
اخراج بسری برداشت. اول حسن زب میل انگلیس  
عرف اندام نمود.

اگرچه آن خرب با هسته یعنی عمل و مغاید ترین آمال  
ذیلک روزین سابقه بهوار پنهانی خود را ادا نمود  
داده بود ولی در این وقت فظر یک سهه رانی درین  
که انگلیسی مادرزاد دعیت کارکن آن داشت

## موسیقی اسلامی مخونہ

- وَنَادَى -

فتوح و گزینشگی همومن فخر و نگه داشتند و در پیشتر  
و پیشتر از افراد رجاعت دار مگز دست بدست بهم  
دارده و فسرد فرد سکان قصور عالیه طهران را بجمع  
زماداری پیشتر داده و داده و این بالخوبیها از آنها نجاذب  
نموده از لیسیده راهی اخراج بر تهم کندیشته دهد و بلاغ  
پادشاه و ولگردان سیاسی تراکنده پیدا کرده است  
چون اسمی از لیده راهی حسن اتاب برده شد لازم بیده  
هویت اخراج را پنجه مفترضی کنم ! -

تقریباً از چهارده ها فیصل که طهران بیانی وجود  
اخذ بسر برداشت، اول حسنزی میل آلبیس  
عمر فرانکا نام خود -

اگر جه آن خرب با هستهٔ معل و مغید ترین آمال  
ذلکو ترین سابقهٔ بکوارهٔ شخصیتای خود را ادامه  
داده بود ولی در این وقت نظر کسی های دیرینه  
که نظریهٔ ما آرزو دوعل نمکارن کن آن داشت

## ججل

## صفحه پنجم

آنم در مهران نجات داشتند - !  
 علاوه بر اینها جمعی هم با این ایشان میگردید  
 ترین و نکشن ترین جما عاست از برجیعین طهران و ولایت  
 بوجداد آمد است بالجمله در تمام اشخاص دست  
 جات و احزاب سابق الذکر درین نشت و تفرقه  
 صورتاً و معنا داشته بلکه بلا راده زندگی میکنند  
 مسیقاً و غیر مستقیم انکش ندر انگلیس حکم را با  
 معنی نیکدست فکر میکند هدینکه اجساد شدید  
 دیگر را باز نمیکند آنکه مبادا از صورت و معنای انجاد  
 فکر میگویی آنرا که می نهایت قدیمان قلیل است  
 استفاده کنند اتفاق و نشت داده اند اند زندگی  
 بسیار اراده پرای آنها باقی نمانده از همچوچ  
 بخوبی و یاس باهانه سول شود  
 در بیوت اخراب بازدزه کافی که بتوانند وضیع  
 مهران را از دور بگیرند خون را نمیگذرد  
 که فی الجده از ملک و طرز روشن آنها فرموده  
 بسان آورید خواهیم بود از که در گزند خبر نداشت  
 مسلک این احزاب بجز مفت ایست بجهان  
 خوب و سهل آن را هم خسرا باشغال ادارات  
 و نشسته مددودی هم بگوید کار سازی رقتی  
 ادارات خود را تجارتی مهد از رزاق و غیره  
 مساعی مکار برده و نتایج عده هم کفرتند اند  
 حال تغیر فرما بیند یکدسته از دست جات گذشتند  
 روی کار باشند باید دسته جات و احزاب  
 بیگذرد - دانهادر قال و شاهزاده از مغول  
 به تحریکات هستند و یک کامیته بدخت و یا  
 خوش بخت که روی کار باشند چنان مزده

چون سیاک که سنه محله بلاشی دیوار است نواده  
 این دسته جات عبارت بودند از طرفداران سپاهیان  
 (اعتدل نهادی مردم) طرفداران دوقاله -  
 (دیگران نهادی خان اشکانی پسر) طرفداران  
 عن الدوّله (اعتدل نهادی مردم) فاجاریه پسر  
 دیگران نهادی خان از طرفداران سعاد الدوّله  
 محدودی آذربایجان) طرفداران مشیر الدوّله و  
 مؤمن الملک (دیگران و اعدال سابق الذکر) :  
 طرفداران موصاص (بو قلمونهادی اجتماعی که در هر دسته  
 یافت میشود و دیگرانهای خوشنور) طرفداران  
 شاعر اسلامی (صالیحان یا نویلی ای جاه طلبی و فهد  
 سلطنت) طرفداران ملا، استلطنه (حامیان  
 سالمت و محافظ کاری) طرفداران سپهبدار  
 گیلانی (دسته از اشخاص مختلف العقیده) طرفداران  
 لفڑا لدوّله (دیگران نهادی معمود حامیان پیش  
 جنوبی و تولا فرس، هنر) و تیریانث از از قام  
 اشخاص فوق الذکر هم طرفداران ... که خود را  
 از زویی مگردی فقط مخصوص بایست با هم دسته داد  
 ممتازه فی کرده نمکه متأنفه طرفداری جمل را  
 پیاز بین فقط نظر مال آنیشی شعار خود آنم در پرده  
 قشیر داده چنانچه جانبه ای از همجری  
 دم تهدیدیان نهاد فقط بنام مصالح شخصی اینهم دادم که  
 در مند وزارت نیستند! - ملاوه بر اخواب د  
 اشخاصیکه اسنان گذشت خوبی بنیم زان پرس  
 خوبی بنام هست هستند - خوبی بنام ایلان جوان  
 خوبی بنام ناد - خوبی بنام مهاره - دارین ریز  
 ایسم بردار میشود که همه اینها از سبده تقریب

روشنایی (مال میر عد) بیازارها رنجت  
میخواستند کاکین را فارت گشته به ازرس  
بشدید سجد شاه فسته امام جمعه‌ای طهران  
و امام جمعه خوی که میکوبند توسط اهالی بیت پیغمبر  
توان پول برای بعضی سردسته با دعا حب  
منصبان این شخصیت شده حضور هم رسانیدند  
و بعضی اشخاص محبوب التویی بزرگ نظرها مخالف  
ایراد کردند و طرف عصر صمصام استلطنه سجد آمد  
و همت خود را برای تشکیل کابینه اسلام نمود  
در روز مزبور نظم شریعه فرقه آق و آران  
محول کردیده دسته‌ای قرقاک بدیازار و خیامان  
بحال و بنت نظام در جلوه بودند روز دوم از اهالی و  
ژاندره‌ی شهدا از غارت چیادی خاکشید و  
حصانت میکردند و امر روز دشنبه مقدم بهم باشد پس  
اعلانیکه از طرف کارگران منتشر شده دکایین فیلم  
با زدن عده فرقه اوانی از راق هم از طرف  
رئیس وزرا صمصام استلطنه داده شد درین  
نویشتن دور روزه برای ثنویه از تمام درجهات  
و طرز قدر رانیکه در بالا ذکر شد اشخاص وجود  
دهشت‌اند حال سیتوانید زیوت نوشیان  
و ما هستی این نوشش و تخلص محابیتی مطالعه  
این مختصر شنیده ایا

### - لفاظ -

مجله شریعت ارثیه که یکی از هشت‌تیزین مجلات ادبی و  
اخلاقی است از افق علمی مات ایران شغفانه  
مفوی نموده طلوع این مجله در خشند را تبریک گفته  
و فیضت میر و کارکن انتشار از خدا وند تنا میکنیم

طرف خلیل مکثه واقع میشود معلوم است  
چون وقت کابینه مدفوع از خود تلف میشود وضع اداره  
چه سورنی بخود کرفته و ماقبه در جه پرستان خواهند  
از گیلبرت همچنانچه گفتیم آوردن و بردن کافته  
دادن و ندادن پول سلطنتیم و عدم تنظیم دوازد  
هم که در دست انگلیس است ب پس  
دسته همورت با قرقمه می‌که قبل از کردند و با آنکه  
مال گذشته محبول تغیر نمی‌نماید اشت داداریت  
دسته همادجه خرابی مخصوصاً دارمای ملواز آرنهای  
انگلیس بود و افعی است که حال ارزاق عمومی صحت  
و جامیت شهر بچه حالی کر فار و مبتلا بگذاری  
صادر برگشته است

مذوار ازه و سرفت سکناس ای بانگ و گرفتایی  
جندن هنگیس نزد کاربرده و نشست طرز مذرا  
اینده هم در کارهستند در سر برگذرد و هر مصل  
برگی ملاح این در روزه را نهاده ب مید نزد  
انگلیس هماده طهران آنچه میخواهند می‌شنوند  
میکنند و از آنچه که می‌شوند بساید تقویط  
ایادی خود استخاده میکنند من جمله میخواهند  
کامنه ستره فی ابردارند و هر را بخاشی و اشته  
و بقصی و یکر را هم بزمی‌شین

انگار و زمسه ای اشیعیات و تبلیغات حضر  
کردند حس هفتادشی اشتد داده داشت  
دادند که روز چهارشنبه دوازدهم جب  
انقلاب شروع خواهد شد روز پنجشنبه سیزدهم در  
سلام کاپشن متوافق استخاده داده قبول شد  
میهمانی بازد هم کید سه ناگرد ای مطبوع